

مصاحبه با دکتر حمید احمدی و دکتر حنان عشراوی

فرادید فلسطین امروز از دو نظرگاه

گفت و گو و برگردان: عظیم فضلی پور

□ گفتگو با دکتر حمید احمدی*
زمان حمله عراق به کویت نیز مرتکب این اشتباه شدند. البته شاید این نوع واکنش ها ناشی از مشکلات و فشارهایی باشد که بر آنها تحمیل شده است.

در روزهای نخستین پس از ۱۱ سپتامبر، رسانه های خارجی فیلم هایی را از مردم فلسطین نشان دادند که آنها را در حالت شادی و پایکوبی نشان می داد که در این میان حکومت خودگردان نیز در واکنشی خواستار توقف

○ حادثه ۱۱ سپتامبر چه تأثیری بر

منارعه اعراب و اسرائیل گذاشته است:

● هنوز زود است به صراحت بگوییم که ۱۱ سپتامبر چه نتایج و تأثیراتی بر فرآیند منارعه اعراب و اسرائیل گذاشته است، اما با این حال می توان از جهتی به این تأثیرات نگریست.

در مورد تأثیر منفی این رویداد باید گفت که متأسفانه مردم فلسطین نسبت به این حادثه عکس العمل خوبی نشان ندادند همچنان که در

* . دکتر حمید احمدی دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران و کارشناس مسائل خاورمیانه می باشند. از آثار وی می توان: ریشه های بحران در خاورمیانه، تاریخ انقلاب فلسطین، جنبش های اسلامی در جهان عرب را نام برد.

این گونه حرکات شد. پخش این تصاویر، چهره‌ای منفی از مردم فلسطین را نزد ملت آمریکا ترسیم کرد.

مردم فلسطین در زمان اشغال کویت توسط عراق نیز در کرانه باختری و نوار غزه در حمایت از صدام پایکوبی و شادی کردند که خشم اعراب را برانگیخت و دولت‌هایی نظیر عربستان سعودی و کویت کمک‌های خود را به آنان قطع کردند و کارگزاران فلسطینی را از کشورهای خود، اخراج کردند.

در مقابل، دولت اسرائیل در بهترین شکل ممکن از فضای به وجود آمده علیه تروریسم، سوءاستفاده کرد و مفهوم تروریسم و کاربرد آن را درباره گروه‌های خاص به مبارزات مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی کشانید و موفق شد از طریق رسانه‌های خبری و با ایجاد یک جنگ تبلیغاتی این پیام را القا کند که مقاومت مردم فلسطین نیز نوعی از اشکال تروریسم است و لذا فلسطینی‌ها حق هیچ‌گونه دفاعی از خود را ندارند، و شارون که مورد حمایت همه جانبه مقامات و اشنگتن بود، حق دارد هر کاری را انجام دهد.

از طرف دیگر باید یک تأثیر دیگر هم اشاره کرد. به نظر می‌رسد شیوه اجرا شده توسط گروه القاعده در عملیات ۱۱ سپتامبر به نوعی بر روی نحوه عملیات نظامی فلسطینی‌ها تأثیر گذاشته است. تاپیش از این حادثه، عملیات‌های نظامی حملات انتحاری و هدف قراردادن اهداف غیرنظامی از جمله مدارس، اتوبوس‌ها و رستوران‌ها توسط مبارزین فلسطینی کمتر صورت می‌گرفت. اما افزایش این گونه حملات طی ماه‌های اخیر نشان می‌دهد (یا دستکم چنین تلقی می‌شود) که شیوه عملیاتی گروه القاعده به شدت بر نحوه عملیات نظامی مبارزین فلسطینی تأثیر گذاشته است.

از جمله آثار مثبت حادثه ۱۱ سپتامبر، جوی بود که پس از طرح گفتمان خاص القاعده در افکار عمومی به وجود آمد. مطرح شدن این قضیه که دولت آمریکا، مسئله فلسطین را نادیده گرفته و از اسرائیل حمایت می‌کند کاخ سفید را در روزهای نخستین این حادثه تحت فشار زیادی قرار داد.

آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر برای حمله به افغانستان نیاز به حمایت‌های منطقه‌ای داشت و پس از رسیدن به این نتیجه، سرنگونی صدام را پیش کشید اما بوش متوجه شد که اعراب تمایلی به سرنگونی صدام ندارند. در حالی که موضع آمریکا در قبال اسرائیل زیر سؤال رفته بود، جرج بوش با این هدف که برای سرنگونی صدام باید امتیازی به اعراب بدهد، طرحی را برای نخستین بار به شورای امنیت سازمان ملل بُرد که تا آن لحظه بی‌سابقه بوده و تلاش کرد آن را به تصویب برساند و در نهایت نیز تصویب شد و آن طرح تشکیل کشور مستقل فلسطین در کنار اسرائیل با مرزهای مشخص بود. همان طور که مستحضرید این خواسته مردم فلسطین

از سال ۱۹۸۵ به بعد نیز بوده است. اما جای یک سؤال باقی است و آن این نکته است که آمریکایی‌ها چقدر بر این امر جدی و مصر هستند. بحث حذف عرفات و تشکیل دولت مستقل فلسطین به نظر می‌رسد فضایی مبهم را ایجاد کرده‌اند.

○ به نظر شما، فرمول یک نظام و دو ملیت که به تازگی مجدداً از سوی برخی مطرح شده است، تاچه اندازه قابلیت اجرایی دارد؟

دیدگاه پیدا شد: ۱- تقسیم فلسطین به دو کشور عربی و اسرائیلی؛ ۲- تشکیل یک کشور فدرال که از جمله مدافعان این طرح ایران و هند بودند که با تقسیم فلسطین مخالفت کردند.

طرح تشکیل کشور فدرال از سوی یهودیان رد شد و اعلام کردند که کشوری خالص یهودی می‌خواهند و لذا این طرح با بازی‌های سیاسی پشت پرده و خریدارای برخی کشورها، رأی نیاورد و پس از این که کشور اسرائیل تشکیل شد، عملاً این طرح کنار زده شد.

در دهه ۶۰ میلادی نیز جنبش الفتح پس از مدت‌ها مطالعه و بررسی طرح تشکیل دولت دموکراتیک غیرمذهبی فلسطین را ارائه داد که هدف آن تشکیل یک دولت سکولار بود که این دولت غیردینی در کشور مستقل فلسطین باشد و همه مذاهب در آن زندگی کنند. این طرح یکی از نخستین طرح‌های صلح‌آمیز فلسطینیان بوده است. در نهایت باید یادآوری کنیم که جامعه جهانی وضع موجود را پذیرفته و همگان بر تشکیل دو کشور مستقل اتفاق نظر دارند و با توجه به این که طرح یک نظام و دو

این بحث، یک بحث بسیار قدیمی است و به آغاز مبارزات در دهه ۳۰ باز می‌گردد. اجماع بین‌المللی، موضع انگلستان و تا حدودی موضع آمریکایی‌ها هم تشکیل یک کشور با دو ملیت بوده است. حتی جامعه جهانی و سازمان ملل نیز با این طرح موافق بودند. در سال ۱۹۳۶ دولت بریتانیا یک کمیسیون ویژه به سرزمین‌های اشغالی فرستاد که به نام «کمیسیون سلطنتی پیل» معروف شد. این کمیسیون در پایان مأموریت خود، در گزارش ۴۰۰ صفحه‌ای که ارائه داد تصریح کرد: «تضاد اعراب و اسرائیل حل‌ناشدنی است و باید دو کشور در کنار هم تشکیل شود.» اما این طرح توسط دولت بریتانیا رد شد.

در سال ۱۹۴۵ نیز کمیسیون تحقیق مشترک متشکل از آمریکا و انگلیس پیشنهاد داد که تقسیم فلسطین راه حل درستی نیست و باید در

این که طرح این مسئله در شرایط فعلی درست یا نادرست بوده، به نظر شما جانشین عرفات هر کسی که باشد با چه مسائل و مشکلاتی مواجه خواهد شد؟

○ عرفات یک رهبر کاریزمات و حذف وی و جایگزین کردن کسی به جای او، غیرممکن است. عرفات از سال ۱۹۶۸ که در انتخابات شورای ملی فلسطین، ریاست کمیته اجرایی فتح را از طریق انتخابات در دست گرفت تا این زمان در مبارزه بوده و حتی گروه‌هایی همچون حماس و جهاد اسلامی مخالفت خود را با حذف عرفات اعلام کرده‌اند. درعین حال که دولت‌های عربی نیز با حذف عرفات مخالف هستند.

علاوه بر این، عرفات آلترناتیو ندارد و هیچ کس نمی‌تواند مانند وی اتحاد و اجماع میان گروه‌های مختلف فلسطین را به وجود آورد. به نظر من تنها در یک صورت آلترناتیو عرفات می‌تواند موفق باشد و آن این که عرفات به میل خود کنار رود و یا به شکلی خاص از بین برود، که البته تصور روش‌هایی مانند ترور و شبیه آن اوضاع را بدتر می‌کند. حال فرض کنیم عرفات کنار رفت. مهم‌ترین مشکلاتی را که آلترناتیو عرفات در پیش رو خواهد داشت عبارت‌اند از:

اولاً: عدم مشروعیت: به دلیل آن که آلترناتیو عرفات طی گفتمانی تحمیلی از سوی

ملیت هزینه‌های زیادی دارد، طرح موفق نخواهد بود.

○ حال که مجدداً بحث صلح اعراب و اسرائیل در محافل سیاسی مطرح شده است، به نظر شما گروه‌های صلح طلب اسرائیلی تا چه اندازه توانایی تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری در اسرائیل را دارند؟

● در حال حاضر گروه‌های صلح طلب اسرائیلی نقش بسیار محدودی دارند، اگرچه ممکن است در درازمدت نقش محوری پیدا کنند؛ مانند گروه «صلح اکنون» که اقلیت بوده‌اند و در درازمدت رشد کرده‌اند و توانسته‌اند گفتمان صلح را جا بیندازند. اما این نکته که آیا این گروه‌ها در سیاست‌گذاری دولت اسرائیل نقش داشته‌اند باید گفت که پاسخ منفی است و این گروه‌ها نقش بسیار محدودی در دولت و پارلمان اسرائیل دارند. در حالی که احزاب تندروی لیکود و کارگر از طریق ائتلاف با تندروهای مذهبی دولت را در دست دارند، گروه‌های صلح طلب اسرائیلی از طریق افکار عمومی و ظهور نسل جدید می‌توانند یک تأثیر فرسایشی در درازمدت را به وجود آورند و دولت یهود را به سمت یک زندگی مسالمت‌آمیز سوق دهند.

○ دولتمردان کاخ سفید مسئله حذف عرفات را مطرح کرده‌اند. جدای از

دولت بوش روی کار آمده است و مورد حمایت آمریکا است و لذا مورد تنفر مردم فلسطین قرار گرفته و با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد.

ثانیاً جانشین عرفات قادر به برآورده ساختن اهداف آمریکا نخواهد بود و نمی تواند رادیکالیزم را از هر نوعی که باشد (چپ، اسلامی و ملی) کنترل کند و در نهایت به شکست منجر خواهد شد. حتی عرفات که در میان ملت فلسطین از جایگاه شیخوخیت برخوردار بود، نتوانست به طور کامل جلوی رادیکالیزم را بگیرد، حال آترناتیو وی که جای خود دارد.

ثالثاً جایگزین عرفات همچنان با اسرائیل مشکل خواهد داشت و نمی تواند شخصی صد درصد موافق اسرائیل باشد. این در حالی است که اگر وی موافق سیاست های اسرائیل نباشد، دولت تل آویو وی را بی اعتبار می کند و عدم مشروعیت وی نیز اوضاع را وخیم تر خواهد کرد.

رابعاً آترناتیو عرفات مشکلی به نام عدم پذیرش از سوی جهان عرب را نیز به دنبال خود یدک می کشد.

اینها در حالی است که آمریکا تاکنون نتوانسته مسئله حذف عرفات را به دولت های اروپایی بقبولاند و دولتمردان کاخ سفید به ناپختگی طرح خود رسیده اند و رفته رفته از این طرح عقب نشینی خواهند کرد.

□ گفت و گو با خانم دکتر حنان عشراوی*

○ ظاهراً ملت فلسطین بر سر یک دو راهی قرار گرفته است به طوری که می توان گفت علی رغم مبارزات طولانی موجودیت فلسطین مورد تهدید قرار گرفته است. آیا شما هم این موضوع را احساس می کنید؟

● بله، من هم حس می کنم همین طور باشد. من احساس می کنم این موضوع نقطه عطفی در تاریخ فلسطین محسوب می شود و دلیل آن هم قطعاً به سیاست های شارون بر می گردد که به طور حتم ایجاد کننده یک جدایی و افتراق زمانی بین حال و آینده فلسطین می باشد. او قصد دارد ما را به عقب برگرداند، به دهه چهارم قرن ۲۰، به دوران بنیادگرایان صهیونیستی، به دوران بحث هایی برگرداند که با نام «جنگ استقلال اسرائیل» معروف بود. و به عقیده آنها، این استقلال در تکمیل اساسی ترین پروژه اسرائیل یعنی تسلط بر تمام سرزمین فلسطین و نابودی هویت ملی فلسطین و نابودی حق تعیین

* خانم حنان عشراوی فارغ التحصیل رشته ادبیات انگلیسی از آمریکا و استاد دانشگاه برزیت است. او عضو کمیته مشورتی هیئت نمایندگی فلسطینی در کنفرانس صلح مادرید و اجلاس های بعدی آن بوده است و برای مدتی در حکومت خودگردان فلسطینی به سمت وزارت رسید. خانم عشراوی امروزه از مشهورترین فعالان فلسطینی هوادار جریان صلح به شمار می آید و آرای او همچنان مورد توجه تحلیلگران و پژوهشگران مسائل منطقه است.

سرنوشت مردم فلسطین در خصوص سرزمین فلسطین در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه و امور ملت فلسطینی، بویژه آوارگان فلسطینی متبلور می‌شد.

امروزه تلاش‌های منظم و سازمان یافته‌ای از سوی اسرائیل، باهدف دارنمودن ضربه مهلک به آرمان ملی فلسطین و استفاده از کشنده‌ترین ادوات نظامی علیه تک تک فلسطینی‌ها در حال انجام است. و بدبختانه این که تمام این فعالیت‌های اسرائیل از سوی جامعه بین‌الملل به خصوص ایالات متحده آمریکا شدیداً حمایت می‌شود.

که علیه رژیم اشغالگر اسرائیل به اعتراض برخاسته است. اما بدبختانه تبدیل شدن انتفاضه به یک ماشین جنگی و استفاده از ادوات نظامی در راه رسیدن به اهداف مورد نظر، به‌ویژه مورد هدف قراردادن غیرنظامیان اسرائیلی و پذیرش همان راه کار اسرائیل به عنوان شیوه عمل انتفاضه باعث شد، شارون این فرصت و بهانه را به دست آورد تا برنامه‌های خود را علیه ملت فلسطین به اجرا در آورد. این موضوع از تبعات عملکرد انتفاضه است. اما انتفاضه به عنوان یک آلت و وسیله برای مقاومت آرام و بدون خونریزی، سمبل اراده ملت فلسطین است که هرگونه زورگویی و سلطه‌طلبی را رد می‌کند.

○ قریب به دو سال از شروع انتفاضه

دوم می‌گذرد. آیا به نظر شما انتفاضه

یک استراتژی غلط بوده، بدین معنی

که باعث شده تمامی دستاوردهای

فلسطین بعد از توافق نامه‌های «اسلو»

تاکنون هدر رود؟

○ به نظر شما آیا عرفات در صورتی که

اراده نماید می‌تواند از عملیات انتفاضه

جلوگیری کند؟ و آیا آرمان فلسطینی

آن قدر رادیکالی شده که عرفات توان

گرفتن چنین تصمیمی را ندارد؟

● عرفات می‌تواند چنین تصمیمی بگیرد. اما هیچ ضمانتی وجود ندارد که صد در صد اجرا شود. مسئله خیلی واضح و روشن است، در فلسطین یک پتانسیل تحریک شونده وجود دارد که شارون از آن سوء استفاده می‌کند و خیلی خوب می‌داند که چه وقت و چه طور آن را تحریک نماید. بنابراین هرگاه فلسطین شاهد یک دوره کوتاه آرامش و امنیت است و یا

● از یک نظر «بله» و از چند بعد دیگر نه، این

چنین نیست. به عقیده من اصل انتفاضه به

عنوان سمبل اراده و مقاومت ملت فلسطین

امری مثبت است. اما راه کار و شیوه عمل آن

قطعاً اشتباه است. اگر انتفاضه یک انقلاب

مردمی و مدنی غیر مسلح بود که علیه

وحشیانه‌ترین اعمال رژیم اشغالگر به قیام

برخاسته بود، در این حالت، این جنبش،

حرکتی اعتراضی و مثبت محسوب می‌گردید

هرگاه فلسطینی‌ها به خویشتنداری و آرامش روی می‌آورند، شارون شروع به تحریک این عامل می‌نماید و حتی ممکن است به حملات هوایی فراگیر و یا بازداشت رهبران و فرماندهان فلسطینی دست بزند. که این امر قطعاً به عکس‌العمل و واکنش فلسطینی‌ها منجر می‌شود. و در این هنگام شارون هر فلسطینی را تبدیل به یک هدف و یک پروژه می‌کند. زنان، مردان، کودکان، منابع مالی و اقتصادی، آموزشی و بهداشتی، همگی از نظر شارون یک هدف و پروژه به حساب می‌آیند. بنابراین عملیات‌های تحریک کننده از جانب اسرائیل کاملاً حساب شده و متعمدانه است.

البته عرفات نیز در مقابل می‌تواند اقدامات زیادی انجام دهد. اما تمام گناه‌ها را تنها به گردن عرفات انداختن و اعمال فشار بر فلسطینی‌ها آن هم در حالی که دست شارون را کاملاً باز گذاشتن تا زندگی ما را نابود کند، این عمل نه تنها قدرت عرفات را در تسلط بر آرمان فلسطین کاهش می‌دهد، بلکه وی را در زمینه حمایت از ملت فلسطین نیز ناتوان خواهد کرد. و نهایتاً کار به جایی می‌رسد که وقتی اسرائیل نیروهای امنیتی فلسطین را مورد هدف قرار داده و مقر آنها و منازل مسکونی و دفاتر کار آنها را منهدم می‌کند و خود آنها را ترور کرده و به قتل می‌رساند. راه‌های ارتباطی فلسطین را تخریب و مسدود می‌کند تا مردم نتوانند به جایی بروند و یا کسی به کمک آنها بیاید و درعین

○ تشکیلات خودگردان فلسطین تاکنون نتوانسته است، صلح را برای مردم فلسطین به ارمغان آورد، البته شاید در این مورد مقصر نباشد. ضمن این که تا حال نتوانسته از تجاوزات اسرائیل علیه ملت فلسطین - جلوگیری کند. آیا فلسطینی‌ها با این اوصاف نسبت به عملکرد تشکیلات خودگردان مشکوک و بی‌اعتماد شده‌اند؟ و نیز به فکر اتخاذ یک استراتژی جدید در مقابل اسرائیل هستند؟ افکار عمومی ملت فلسطین در حال حاضر چه راه کاری را پیشنهاد می‌کند؟

● مردم فلسطین همچنان به شکل فزاینده‌ای

نسبت به عملکرد تشکیلات خودگردان بی‌اعتماد شده‌اند. اما در عین حال حساب شخص عرفات را از تشکیلات خودگردان جدا نموده است. شکی نیست که پشتوانه مردمی عرفات تا حد زیادی از بین رفته است. البته منظور من قبل از حملات تبلیغاتی اخیر شارون علیه عرفات است که پشتوانه مردمی عرفات به ۳۰٪ کاهش یافته بود. اما از زمانی که شارون شروع به حملات مستقیم علیه شخص عرفات کرد و وی را سپر بلا و هدف اصلی حملات تبلیغاتی خویش قرار داد. مردم فلسطین دوباره دور عرفات جمع شدند و اعلام کردند، عرفات رهبر ماست. و تو حق نداری برای ما رهبر تعیین کنی، همین امر باعث شد، عرفات دوباره تا حدودی به پشتوانه مردمی دست یابد. اما فلسطینی‌ها در عین حال به خود تشکیلات خودگردان اعتماد ندارند. و به همین دلیل جو بی‌اعتمادی و شک و شبهه نسبت به عملکرد تشکیلات خودگردان و به تبع آن زیر سؤال بردن آن، ادامه می‌یابد. البته حتی اگر حملات تبلیغاتی اخیر اسرائیل علیه عرفات و تشکیلات خودگردان هم صورت نمی‌گرفت، دیر یا زود بحران فعلی فلسطین به وجود می‌آمد. و قطعاً یک حرکت و جنبش داخلی قیام کرده و خواستار اصلاحات و تغییر و تحول در ساختار این تشکیلات می‌شد. فلسطینی‌ها اکنون در وضعیتی قرار دارند که مسئله بقاء و موجودیت فلسطین در صدر امور مورد توجه و اهتمام آنها

قرار دارد. اما در عین حال یک جریان دیگر در فلسطین در حال فعالیت است که خواستار جایگزینی دموکراسی و پاسخگویی دولت در برابر مردم و تغییر معیارهای گزینشی مقامات سیاسی می‌شوند.

از طرفی مسئله مخالفان داخل فلسطین هم مطرح است. ملت عادی فلسطین وقتی می‌بیند که عده‌ای علیه اسرائیل دست به عملیات نظامی می‌زنند، لابد با خود می‌گویند، اینها حداقل برای فلسطین عملاً یک کاری انجام می‌دهند. در حالی که در مقابل تشکیلات خودگردان شکست خورده و کاملاً تحت القائنات و افکار دیکته شده غرب است. ضمن این که نمی‌تواند از مردم فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع نموده و یا هیچ خدماتی به آنها ارائه نماید. همین امر باعث می‌شود، مردم به سازمان‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی روی آورند، و به آنها کمک کنند. البته این به معنی دائمی و همیشگی بودن این وضعیت نیست. بلکه این موضوع در واقع عکس‌العمل و واکنش موقت و مقطعی مردم فلسطین به وضعیت فعلی سخت و غیرقابل تحمل موجود است. بنابراین اگر نظری به اهداف دراز مدت فلسطین بیندازید خواهد دید که فلسطینی‌ها هرگز به تعهد خود مبنی بر گفتگو به عنوان تنها راه حل برای صلح عادلانه، تردیدی ندارند. در واقع آرمان فلسطین متضمن یک سری تعهدات استراتژیک است که همیشه ثابت بوده

و اکثریت مردم فلسطین (۷۳٪) آن را تأیید می‌کنند. و در مقابل بحران‌های کوتاه مدت و موقت وجود دارد که گاهی اوقات به سرعت خود را بروز می‌دهد. و فلسطینی‌ها نیز با خشم و غضب با آن برخورد می‌کنند.

عرفات هستند. این عرفات است که تعیین می‌کند که آنها با چه کسانی مصاحبه کنند و یا با چه کسانی مصاحبه نکنند. و این مصاحبه چه وقت انجام شود. و نیز آنها باید در شرایط مختلف و در مواجهه با بحران‌های مختلف چه موضع‌گیری‌هایی بکنند. عرفات به منزله آدرسی است که این افراد همه گزارشات خود را به آن جا ارسال می‌کنند. بنابراین این افراد، اجزایی هستند که از حکومت و تشکیلات خودگردان عرفات جدایی ناپذیرند. و هرگز بدل و جانشین وی نمی‌توانند، البته این امکان وجود دارد که بعضی از آنها جزو کاندیداهای انتخاباتی آینده باشند، ولی هرگز خود را به عنوان یک جانشین برای عرفات که از سوی اسرائیل پیشنهاد و انتخاب شود، نمی‌دانند. ضمن این که افکار عمومی فلسطین نیز به دنبال مورد هدف قرار گرفتن عرفات از سوی اسرائیل، از وی حمایت کرده است. بنابراین مردم فلسطین هر آن که را که به فلسطین آینده، بدون عرفات چشم دوخته باشد، جزو همدستان و توطئه‌چینان و حامی اسرائیل محسوب می‌کنند. و از نظر افکار عمومی فلسطین، مقبولیت و مشروعیت، ندارد.

○ این میل به اصلاحات و تغییرات که از آن صحبت می‌کنید، آیا فکر نمی‌کنید که مردم فلسطین را به طرف افرادی از قبیل ابومازن، ابوالعلاء و فرماندهان دستگاه‌های امنیتی فلسطینی به عنوان جانشین عرفات سوق دهد، که شارون از آنها به عنوان جانشینان احتمالی عرفات یاد می‌کند؟ آیا این افراد از پشتوانه مردمی برخوردار هستند؟ چنانچه این اشخاص بخواهند عرفات را کنار بزنند، آیا ملت فلسطین از چنین اقداماتی حمایت خواهد کرد؟

● خیر، قطعاً جواب منفی است. چرا که شارون با توجه به ماهیت زورگویی و نژادپرستی که دارد، اخیراً اعلام کرد که در توان خود می‌بیند، فلسطینی‌ها را مجبور به تن دادن به خواسته‌های اسرائیل کند. و این قدرت را نیز دارد که یک رهبر دست‌نشانده برای اسرائیل، انتخاب کند، تا در برابر خواسته‌ها و اولویت‌های اسرائیل تسلیم شود. اما اعلام این موضع از سوی شارون منجر به عکس‌العمل معکوس از سوی محافل داخلی فلسطین شد. البته این موضوع

و هرگز مورد تأیید ملت فلسطین قرار نخواهد گرفت. بنابراین امروز ملت فلسطین بیشتر به فکر پایداری و همبستگی بیشتر با اردوگاه مردم فلسطین است. و این افراد خوب می دانند که این موضوع یعنی مطرح کردن اسم این افراد از سوی شاروی به منزله بوسه مرگ بر آنهاست. به طوری که حتی دو آتشه ترین منتقدین عرفات، مخالفان، حماس، جهاد اسلامی و دموکرات ها، همه معتقدند، موضوع تعیین جانشین عرفات به شارون و اسرائیل ربطی ندارد. و اظهار می دارند، ما پشت سر عرفات خواهیم ایستاد و از او در مقابل شارون حمایت خواهیم کرد. البته بعد از این که اوضاع فلسطین به حالت عادی برگردد، قطعاً یک اصلاحات دموکراتیک ضروری به نظر می رسد. چرا که در حال حاضر و در سایه اشغال اسرائیل هیچ چیزی حالت طبیعی خود را ندارد. اما زمانی که ثبات و دموکراسی در فلسطین حکم فرما شد، قطعاً پتانسیل تحریک شونده داخلی قابلیت انفجار را خواهد داشت.

○ بنابراین شارون قصد دارد، عرفات

را از بین ببرد، به عقیده شما شارون چه

هدف استراتژیکی از این موضوع دارد؟

● این موضوع به خوبی روشن می سازد که شارون متوجه نیست که عرفات تنها شریک و داعی صلح است و غیر از او کسی دیگر را برای ایجاد صلح در فلسطین نخواهد یافت. اهداف

شارون بر روی اجرای سه سناریو متمرکز است. اول این که شارون وقتی علاوه بر تبلیغات گسترده مبنی بر این که عرفات دیگر مهم نیست، شروع به عملیات نابودی وی کرده است، این موضوع باعث یک فروپاشی و شکست در جبهه داخل فلسطین خواهد شد. و به اعتقاد شارون این فروپاشی سه نتیجه در بر خواهد داشت. اول: جنگ داخلی یا همان درگیری و تفرقه داخلی که این امر به شارون در رسیدن به اهداف نهایی و اساسی خود کمک خواهد کرد. دوم: به روی کار آمدن یک رهبر میانه روتر که البته این مورد کاملاً به دور از واقعیت است. اما به هر حال شارون از این موضوع خوشحال خواهد بود. سوم: این که افراطی ترین رهبر از میان جنبش حماس و جهاد اسلامی انتخاب شود. که در این صورت شارون، دستش کاملاً باز خواهد بود تا با اعلام این که اینها تروریست هستند، همه آنها را قلع و قمع کند.

این سه سناریو به نظر من، راه کارهایی است که شارون روی آنها برنامه ریزی می کند و قصد عملی کردن آن را دارد. اما چند مسئله مانع اجرای آن شده است. اول این که، آمریکایی ها این راه حل ها را بررسی کرده و به شارون اعلام کرده اند که هیچ جانشین، مناسب تر از عرفات وجود ندارد. ضمن این که عرفات با شیوه ای کاملاً دموکراتیک به عنوان رهبر فلسطین انتخاب شده است و این امکان وجود ندارد که طبق خواسته اسرائیل، قانونمندی انتخاب وی را زیر

فلسطین اشاره داشتید، امروز شاهدیم که جنبش «فتح» - که وابسته به عرفات است - در سطح خیلی وسیع به فعالیت‌های انتحاری دست می‌زند. جنبش فتح در این بین چه جایگاهی دارد؟ چه کسی مسئول عملیات‌های انتحاری از سوی این سازمان است؟ آیا این عملیات انتحاری از سوی جوانانی صورت می‌گیرد که جای پاسداران قدیمی عرفات را گرفته و در مقابل «البرغوشی» فعالیت می‌کنند؟ چگونه می‌توان اتفاقات آینده را پیش‌بینی کرد؟

● چاقو هیچ گاه دسته خودش را نمی‌برد. این درست که «البرغوشی» احساسات مردم، آرمان و افکار عمومی مردم فلسطین را دستاویز قرار می‌دهد. اما به هر حال هیچ گاه عرفات را زیر سؤال نخواهد برد. برغوشی طرفدار و حامی عرفات است و من از این موضوع مطلع هستم. ممکن است این جا و آن جا انتقاداتی هم از عرفات داشته باشد ولی به هر حال همه آنها از اعضای جنبش فتح هستند. حال خواه آنها جزو پاسداران قدیمی کمیته مرکزی باشورای انقلاب باشند و خواه این که جزو سازمان جدید جوانان هوادار عرفات باشند. به هر حال هرگز عرفات را تنها نخواهند گذاشت. ممکن است خودشان یک سری اهداف تاکتیکی داشته باشند و نیز این امکان وجود دارد که آنها وسایل

سؤال برد. دوّم این که هیچ کس تا به حال به عنوان جایگزین عرفات اعلام وجود نکرده که اعلام آمادگی کرده باشد، مبنی بر این که تمام اوامر اسرائیل و آمریکا را عملی خواهد کرد. سوم این که آمریکا علاقمند است، حداقل شاهد یک دوره آرامش و ثبات در فلسطین باشد ولو این که این ثبات و آرامش کاملاً مصنوعی باشد. و آنان خیلی خوب می‌دانند که در حال حاضر و اوضاع و احوال کنونی هیچ کس، جز عرفات قادر به ایجاد این ثبات نیست. بنابراین آمریکا به خاطر فراهم نمودن زمینه مناسب برای ادامه مبارزه‌اش یا به اصطلاح تروریسم در آمریکا و نیز جهان عرب مایل نیست که شاهد تغییر و تحول ریشه‌ای و بنیادی در وضعیت فعلی فلسطین و یا برعکس اوج‌گیری بجران و زدوخورد بین فلسطین و اسرائیل باشد. چرا که این امر به آنان در راه رسیدن به اهدافشان کمکی نخواهد کرد. به همین خاطر آنها سعی دارند وضعیت موجود را حفظ کنند. و بدین ترتیب موفق خواهند شد، کشمکش و ناآرامی فلسطین را کنترل کنند بدون این که وضعیت موجود از بین برود. و یا فلسطین شاهد تغییرات ریشه‌ای باشد و در سایه این ناآرامی و عدم ثبات، برنامه‌های آینده خود در منطقه را بدون هیچ مشکلی عملی نماید.

○ در ضمن صحبت‌هایتان بر مخالفان، حماس و دیگر جنبش‌های اسلامی در

و راه کارهای مختلف از جمله مقاومت را به عنوان یک راه کار برای رسیدن به اهداف خود داشته باشند. اما در هر صورت هوادار و حامی عرفات هستند. در واقع آنها یک سازمان هستند با جریان های مختلف داخلی و طبعاً اعضای جنبش فتح دارای خواسته ها و گرایش های مختلف و متفاوت با یکدیگر هستند. چرا که این سازمان یک حزب سیاسی نیست بلکه یک جنبش است. در داخل سازمان فتح یک جریان دموکراتیک وجود دارد. که به هدف محقق ساختن اصلاحات در فلسطین با جامعه مدنی و نیروهای دموکرات در تعامل است. ما در فلسطین فعالان جوان و نیز گردان های شهدای الاقصی را داریم که از بقیه گروه ها به مراتب افراطی ترند که در واقع مقاومت فلسطین در فعالیت آنها متبلور می شود. اما در عین حال تمام این گروه ها در چارچوب یک ساختار عریض و طویل فعالیت می کنند. بنابراین این درست نیست که گفته شود این گروه ها در حال جدایی از جنبش فتح هستند. چرا که هرگاه شرایط و نیاز مقطعی اقتضا کند، جنبش فتح، موضع جدیدی اتخاذ خواهد کرد، اما در داخل جنبش فتح روش هایی برای هماهنگ کردن فعالیت و موضع گیری های داخلی وجود دارد. و در عین حال خود را برای آینده آماده می کنند. بعضی از آنها معتقد به این هستند که آینده فلسطین نیاز به یک اختلاف ملی گسترده دارد. و بعضی دیگر نیز خود را جزو نیروهای دموکرات

جنبش فتح می دانند. به نظر من در آینده نیروهای دموکراتیک این جنبش که یا استقلال جامعه مدنی موافق هستند و یا روشنفکرانی که با طرح و برنامه ای جدید در پی تحقق اصلاحات واقعی هستند، حاکمیت و قدرت را در جنبش فتح به دست خواهند گرفت و این طرح جدید که از سوی روشنفکران ارائه می شود، در صورت حمایت و کمک نیروهای دموکراتیک جنبش فتح، کارترین و فعال ترین طرح خواهد شد.

من ارزیابی «خلیل الشقافی» را از وضعیت موجود فلسطین مطالعه کردم. و به نظر من ایشان یک عامل و حربه اساسی در فلسطین را نادیده گرفته و به آن توجهی نکرده است و آن این که ۴۰٪ مردم فلسطین خواستار اصلاحات هستند که در هیچ سازمان و جنبشی عضو نیستند. این میزان از مردم می تواند در آینده فلسطین نقش مهمی ایفا کند و در آینده با جنبش تازه تأسیس پاسداران جوان جنبش فتح هماهنگ و هم رأی خواهند بود.

○ به نظر شما آیا ما امروز شاهد یک منازعه و کشمکش حقیقی در داخل فلسطین هستیم؟ منظورم این است که ما از یک طرف می بینیم که تشکیلات خودگردان خواستار اجرای طرح صلح میشل وتنت و حضور ناظران بین المللی می شود و در عین حال شاهد هستیم

که افرادی همانند «برغوشی» اعلام می‌کنند، باید تا پایان اشغال اسرائیل به مبارزات نظامی ادامه دهیم. آیا بدین ترتیب ما در فلسطین با استراتژی‌های متعدد مواجه هستیم؟

● همان طور که در ابتدای عرایض اشاره کردم، ما در مراحل و شرایط مختلف از تاکتیک و استراتژی‌های مختلف استفاده خواهیم کرد. هنگامی عرفات خواستار آتش‌بس شد، جنبش فتح تمام عملیات نظامی خود را متوقف کرد. اما شارون بعد از توقف حملات فتح شروع به ترور مستقیم فرماندهان جنبش نمود و این عمل تا حدود زیادی بروز عکس‌العمل از ناحیه جنبش فتح شد. مسئله اصلی تنها «برغوشی» نیست، بلکه ما مشکل گردان‌های شهدای الاقصی و سازمان جوانانی کم سن و سال‌تر را هم داریم البته این‌ها خوب درک می‌کنند که عرفات یک مبارزه سیاسی راهبردی می‌کند و هرگز نخواهد پذیرفت که مبارزات، آرمان و مقاومتشان به صورت ریشه‌ای در جهت مخالف با عرفات باشد. و همیشه آمادگی دارند تا فرصت مانور سیاسی به دیگران بدهند. حال فرقی نمی‌کند این فرصت به «تنت و میشل» داده شود که آمریکایی‌ها بر آن اصرار زیادی دارند، یا این که به مسائلی دیگر باشد. این شیوه رفتاری به این خاطر است که این گروه تازه تأسیس به خوبی دریافته‌اند که برای روبروشدن با حقایق سیاسی جهان چاره‌ای جز همین کار

نیست. اما آنها در عین حال به عرفات می‌گویند ما با رویارویی‌های روزمره با اسرائیل قصد کمک به تو را داریم. و بر این عقیده‌اند که فعالیت‌های پراکنده نظامی یا کار سیاسی آنها در تعارض نبوده بلکه بر عکس خیلی هم خوب و به جا است. و باعث می‌شود، سیاست‌های پنهان شارون در قبال فلسطین رو شود. و مشخص می‌کند که نه تنها شارون یک شکست خورده سیاسی است و نظریه‌هایش در مورد امنیت و صلح با شکست مواجه شده است بلکه وی ناقض صلح هم است. سازمان جوانان داخلی جنبش فتح خود را وابسته به یک چارچوب سیاسی گسترده و هم سو با بقیه می‌دانند. به همین دلیل اگر می‌بینیم که آنها در مقابل تحركات سیاسی اخیر عرفات مسامحه می‌کنند. در عین حال نسبت به وضعیت بد اداری و فساد و اکثر مسائلی که آنها معتقد به این هستند که منجر به نابودی آرمان فلسطین می‌شد، اصلاً گذشت نمی‌کنند. بنابراین ما این جا اختلاف یا رویارویی استراتژیکی به معنی مصطلح و معمول نداریم.

در داخل اعضای جنبش فتح یک توافق و همدلی عجیب و یک تقسیم کار - اگر گفتن آن درست باشد - وجود دارد که در نتیجه تصمیم و اقدام عرفات به وجود نیامده است. بلکه این وضعیت از تبعات فهم و شعور سیاسی اعضای جوان این سازمان نسبت به پیچیدگی اوضاع فلسطین است.

○ این موضوع واقعاً نیاز به توجه و بررسی بیشتر است. بنابراین چرا عرفات عملکرد و اقدامات جنبش‌های مختلف فلسطین را هماهنگ نمی‌کند؟

● نه، این انتظار درستی نیست. عرفات نمی‌تواند به تمام مسائل ریز و درشت تشکیلات بپردازد. تمامی اعضای فتح به خوبی ضرورت انجام مانور سیاسی را درک می‌کنند. عرفات نیز نمی‌خواهد در زمینه توسل به زور و اقدامات مقاومت فلسطین برای رسیدن به اهداف مورد نظر دخالت مستقیم نماید. بنابراین هیچ‌گاه از ناحیه عرفات دستوری مبنی بر اوج دادن به عملیات ضداسرائیلی و یابرعکس حفظ آرامش و خویشتنداری نسبت به اسرائیل، صادر نمی‌شود. و غالباً کادر رهبری و شخص عرفات کاری به تفکر حاکم در سطح افکار عمومی ندارند بلکه همیشه بحران به وجود آمده موجود و پیش‌رو را بررسی کرده و در قبال آن تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند. سیاست کلی عرفات مبتنی بر مورد هدف قرار ندادن غیر نظامیان اسرائیلی داخل خط سبز است.

به این معنی که عرفات هرگز افرادی را که با آنها کار سیاسی کرده کنار نمی‌گذارد. بلکه در صورت لزوم و امکان چند نفر به افراد قبلی اضافه می‌کند. درست مثل آن چه که در آخرین تغییرات خودگردان انجام داد. و اخیراً با تمام فشارهایی که به وی وارد کردیم. یک جنبش گسترده داخلی خواستار تغییر و تحول در

حکومت شده و حتی من شخصاً علی‌رغم این که یکی از اعضای تشکیلات خودگردان بودم. علیه آن رأی دادم. اما عرفات در مقابل تمامی اعضای اکیپ سابق را ابقا کرد و تنها کاری که انجام داد، اضافه کردن ۱۰ نفر به هر نیم بود. من عرفات گفتم، این اصلاحاتی نیست که ما به آن احتیاج داریم. مقامات سیاسی تشکیلات باید با توجه به مسئولیت‌های خود در مقابل اعمال خود جوابگو باشند. باید بدانند که آنها در مقابل مجلس قانون‌گذاری و افکار عمومی فلسطین مسئول‌اند و وظیفه دارند، تبعات اقدامات و اعمال خود متحمل شوند. و نیز اشخاصی که در رأس امور قرار داشته و از انجام وظیفه عاجز بوده و در کار خود حرفه‌ای نیستند، نباید در پست خود باقی بمانند. اما این حرف‌ها روی ایشان اثری نکرده و به حرفم گوش نداد. این هم به این خاطر است که شیوه و شگرد کار عرفات در رهبری مبتنی بر کار گروهی و به کارگیری افراد مختلف اطراف خود در حوزه کاری است. حال خواه این افراد با وی هم عقیده باشند خواه این که مخالف وی باشند.

من چندین بار به ایشان گفتم که ملت فلسطین دیگر به تشکیلات خودگردان اعتماد ندارد. و بیش از این نمی‌تواند متحمل خسارت و تبعات بی‌شمار اکثر افراد بی‌مسئولیت و وظیفه‌شناس شود. مهم‌تر از همه این که آرمان فلسطین از ناحیه اعتبار جهانی ضربه خورده و فرصت‌های واقعی برای پیروزی فلسطین را از

سی هزار کارمند و خانواده آنها وابسته به حقوقی است که از دولت دریافت می‌کنند. بنابراین نسبت قابل توجهی از مردم فلسطین از نظر معیشتی وابسته به حقوقی هستند که از دولت عرفات دریافت می‌کنند. این علاوه بر پولی است که عرفات برای نگه داشتن مقامات و مسئولین در رأس امور و دفاتر کارشان، باید بپردازد. و قاعدتاً اسرائیل نیز با محاصره اقتصادی و تحریمات سعی دارد از این حیث به عرفات فشار آورد. ملت فلسطین، ملتی فقیر است. چه کسی باید این مشکل را رفع نماید؟ نیمی از ملت فلسطین زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از نرخ بیکاری بالا رنج می‌برند.

بنابراین فلسطینی‌ها به منابع درآمد و نیز حداقل وسایل مورد نیاز یک زندگی عادی احتیاج مبرم دارند. اسرائیل نیز با سوء استفاده از همین نیاز، امیدوار است فلسطین از داخل متلاشی شود. اما فلسطینی‌ها تا به حال ثابت کرده‌اند که قدرت انعطاف‌پذیری بالایی در مقابل مشکلات موجود دارند. به عقیده من اگر کشورهای اسلامی واقعاً به وضعیت اقتصاد فلسطین توجه داشته باشند، لازم است کمک‌های هنگفت و قابل توجهی به فلسطین‌ها ارائه کنند. تا فلسطین بتواند اوضاع داخلی کشور را سامان بخشند و قدرت ایستادگی در مقابل حملات اسرائیل داشته باشند.

دست داده است. البته ایشان در پی فشارهای گسترده و مطالبات مردم مبنی بر اصلاحات و تشکیل حکومتی ویژه و پاسخگو که از اعتبار و قدرت کافی برخوردار بوده و مانند یک حکومت عمل نماید نه یک کنفرانس که مسائل سیاسی را بررسی می‌کند. بالاخره اعلام کرده من کمبودها و مشکلات را درک می‌کنم. البته من نمی‌دانم که عرفات چه اقداماتی در این زمینه انجام خواهد داد. ولی به هر حال ما باید بر این موضع‌گیری خود اصرار کرده و به گفتگوهای خود با عرفات ادامه دهیم.

○ به عنوان آخرین سؤال بفرمائید پول

و اقتصاد در زمینه تضمین و حفظ وفاداری معاونین عرفات تا چه اندازه اهمیت دارد؟

● بدون شک پول، نقش مهمی خواهد داشت. یکی از عوامل مهمی که باعث ابقای ترکیب فعلی تشکیلات شد، پول بود. عرفات همچنان که منبع اعتبار و قانونمندی پست سیاسی افراد زیادی در تشکیلات خودگردان است که به آنها به دید یک جایگزین و جانشین عرفات برای آینده نگاه می‌شود، منبع تأمین مالی تشکیلات نیز هست. علاوه بر این یک موضوع دیگر هم هست که خیلی بیشتر از بقیه اهمیت دارد و آن حفظ ساختار خدمات شهری گسترده و عظیم است. به طوری که هزینه زندگی و درآمد بیش از صدویست هزار یا شاید چیزی حدود صد و